

بررسی اندیشه نجات در اسلام و تأثیر آن بر اعتلای تمدن اسلامی

المیرا روحی پورا^۱

سید علی کاظمی شیخ شبانی^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی اندیشه نجات در اسلام و تأثیر آن بر اعتلای تمدن اسلامی می‌پردازد. تمدن اسلامی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های تاریخ بشر، بر پایه آموزه‌های دینی و اخلاقی شکل گرفته است.

اندیشه نجات و موعودباوری از مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگ مهدوی است که در تمامی ادیان الهی وجود دارد. این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه نجات نقش مهمی در اعتلای تمدن اسلامی دارد و از طریق امیدآفرینی، ایجاد روحیه جهادی، افزایش حس آرمان‌گرایی و وحدت‌آفرینی به تقویت و پیشرفت تمدن اسلامی کمک می‌کند. این اندیشه با ترسیم آینده‌ای روشن و عادلانه، انگیزه لازم برای تلاش و نوآوری در جوامع اسلامی را فراهم می‌آورد و می‌تواند به‌عنوان نیروی محرکه‌ای برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی عمل کند.

واژگان کلیدی: اندیشه نجات، تمدن، تمدن اسلامی، تمدن نوین اسلامی، ادوار تمدن

اسلامی، موعودباوری، فرهنگ مهدوی، امید آفرینی

۱. فارغ التحصیل سطح دو حوزه علمیه ثامن الحجج شهرستان پارس آباد. elmirarohi1376@gmail.com

۲. دانش آموخته سطح چهار مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم. sayed.ali.kazemi67@gmail.com

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین شاخص‌های فرهنگ مهدوی «موعودباوری» است که در فطرت الهی-انسانی ریشه دارد و مورد توجه تمامی ادیان الهی است. «موعودباوری» به معنای اعتقاد به وعده‌ای نسبت به آینده جهان و انسان‌ها در جهت رهانیدن آن‌ها از وضعیت نابسامان موجود و رساندن آن‌ها به وضعیت مطلوب است؛ لذا به فرد وعده داده شده‌ی نجات‌دهنده، «منجی موعود» می‌گویند. اندیشه نجات موعود که در بیشتر موارد با باور به موعودی نجات‌بخش و شخصی (انسانی) قرین است از فراگیرترین اندیشه‌های بشری است.

ایده منجی موعود، با تأکید بر نقش نجات‌دهنده‌ای که توانایی ارتقا و بهبود وضعیت جوامع را دارد، می‌تواند به عنوان یک نیروی محرک در شکل‌گیری و توسعه تمدن‌ها عمل کند. این باور الهام‌بخش، جامعه را به سوی ایجاد تغییرات مثبت و تلاش برای دستیابی به وضعیت مطلوب هدایت می‌کند. تمدن، به عنوان مجموعه‌ای از دستاوردهای فرهنگی، علمی و اجتماعی بشر، نقش حیاتی در شکل‌دهی به هویت جوامع دارد. تمدن اسلامی به ویژه باتوجه به تعالیم دینی و اخلاقی، توانسته است فرهنگ و تمدن‌های بزرگی را در طول تاریخ ایجاد کند که تأثیرات عمیقی بر جوامع انسانی داشته‌اند. تمدن اسلامی به عنوان یک مدل ایده‌آل، تلاش دارد تا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و باورهای موعودباوری، جوامعی پیشرفته و عادلانه را شکل دهد. طبق تعالیم دین مبین اسلام، «تمدن اسلامی» به عنوان جامع اسلامی نسبت مستقیمی با آرمان مهدویت داشته و بدین معنا، حرکت تمام انبیا و اولیای الهی از آدم تا خاتم، مقدمه‌ساز این تمدن است. رویکرد تمدنی به مهدویت رویکردی است حاکی از آن‌که آموزه مهدویت، بخش مهمی از اندیشه اسلامی است که می‌تواند از طریق ترسیم آینده‌ی وعده داده شده در شکل دادن به جوهره و روح حاکم بر تمدن اسلامی نقش‌آفرین باشد، به مثابه یک «ستاره راهنما»، راهنمای جوامع اسلامی به سوی جامعه کمال یافته و برخوردار از تمدن آرمانی موعود به شمار آید.

بدون تمدن نمی‌توان کار بزرگی انجام داد. کارهای بزرگ، مانند حرکت امام‌زمان عجل الله فرجه، کارهای تمدنی هستند که برای اعتلای آن‌ها، شناخت و تقویت جنبه‌های مختلف آن ضروری است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که نیازمند توجه است، بحث اندیشه نجات‌بخشی در اعتلای تمدن اسلامی است. همان‌طور که در متن خواهد آمد، این اندیشه نقش بسزایی در اعتلای تمدن اسلامی دارد. در پیشینه این نوشتار مقالات مختلفی دیده می‌شوند، همچون «بررسی اندیشه نجات و موعودباوری در ادیان»، اثر حسین علی جباری که به بررسی جامعیت ادیان اعم از ابراهیمی و غیر ابراهیمی و اشاره کلی به این اندیشه در میان ادیان پرداخته شده یا «بازخوانی ادوار تمدن اسلامی» اثر زهرا سجادی که فقط به بررسی و تبیین ادوار تمدن اسلامی پرداخته شده و یا «باورداشت آموزه مهدویت و نقش آن در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی» اثر امیرمحسن عرفان و سید علیرضا واسعی که به بررسی نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای تمدن اسلامی پرداخته و یا «واکاوی جایگاه تفکر مهدویت و تفکر و حکومت جهانی مهدوی در افق تمدن نوین اسلامی» اثر امیرحسین عرب‌پور به بررسی مفهوم تمدن نوین اسلامی و بیان ویژگی‌ها و شاخصه‌های تفکر حکومت جهانی مهدوی، جایگاه و نقش آن را به عنوان افق تمدن نوین اسلامی بررسی کرده است.

و بسیاری از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات دیگر در این باب که به‌رغم فاخر بودن بسیاری از آثار ذکر شده، وجه تمایز این نوشتار با آن‌ها در این است که در این پژوهش به بررسی اندیشه نجات در اسلام و تأثیر آن بر اعتلای تمدن اسلامی پرداخته و در ضمن، داده‌پردازی در این مقاله به صورت توصیفی-تحلیلی با روش کتابخانه‌ای انجام شده است. هدف این پژوهش، بررسی ارتباط بین مفهوم اندیشه نجات و تمدن اسلامی و نیز تأثیر آن بر اعتلای تمدن اسلامی است. در این راستا، ضمن معرفی مفهوم اندیشه نجات و تمدن اسلامی، به تبیین این ارتباط پرداخته می‌شود.

تمدن:

تمدن یکی از مفاهیمی است که از دیرباز در جوامع مختلف مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. این مفهوم نشان‌دهنده تحولات عمده‌ای است که در زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی انسان‌ها رخ داده و باعث پیشرفت جوامع شده است. از نظر لغت‌شناسان، تعاریف متعددی برای تمدن بیان شده است از جمله:

تمدن به معنای اسباب و اسالیب شهرنشینی اختیارکردن است^۱، تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت.^۲ فرهنگ عربی به واژه تمدن (حضاره) متفق‌اند و حضاره شهر را عکس بداوت بادیه می‌دانند. حضاره به شهرها، روستاها و ده‌ها گفته می‌شود.^۳ و به معنای فراهم‌ساختن اسباب و آسایش^۴ می‌باشد. تمدن به معنای همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دینی، سیاسی و... است و در جای دیگر، تمدن به مفهوم (خوگرفتن با اخلاق و آداب شهریان) نیز آمده است.^۵ تمدن را در شکل کلی، نظم اجتماعی می‌داند که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر شده و جریان می‌یابد.^۶

تعریف اصطلاحی تمدن:

ویل دورانت تمدن را چنین تعریف می‌کند: «نخستین قدم در راه تمدن کشاورزی است و فقط هنگامی که انسان در سرزمینی به قصد کشاورزی در آن و ذخیره کردن غذا برای روز مبادای خود مستقر شود و آتیه خود را تأمین کند، فراق خاطر و احتیاج متمدن شدن را احساس خواهد کرد؛

۱. لاروس، لغت نامه، ص ۶۵۳.

۲. دهخدا، لغت نامه، ص ۹۴۲.

۳. سپهری، تمدن اسلامی در عصر اموی، ص ۳۰-۲۷.

۴. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۷۲۶.

۵. معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۱۳۹.

۶. دورانت، تاریخ تمدن، ص ۵.

هنگامی که در پناه چنین امنیتی از حیث آب و خوراک قرار گرفت، به فکر ساختن کلبه و معبد و مدرسه می‌افتد، آنگاه ممکن است اسباب‌هایی اختراع کند که نیروی او را فزونی بخشد یا سگ و خر و خوک را اهل کند و بالاخره به فکر اهلی کردن خویش و تسلط بر نفس برآید و راه آن را پیدا کند که با نظم و آهنگ کارهای خود را انجام دهد و مدت بیشتری بر روی زمین زیست کند و فرصت آن را به دست آورد تا میراث فرهنگی و اخلاقی نژاد خویش را برای نسل‌های آینده باقی گذارد.^۱

ابن خلدون تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. از نظر او، جامعه‌ای که با ایجاد حاکمیت، نظم پذیر شده، مناصب و پایگاه‌های حکومتی تشکیل داده تا بر حفظ آن نظارت نماید و از حالت زندگی فردی به سوی زندگی شهری و شهرنشینی روی آورد؛ و موجب تعالی فضایل و ملکات نفسانی، چون علم و هنر شده، حائز «مدنیّت» است.^۲

این تعاریف، نشان‌دهنده این است که تمدن، فرآیندی پیچیده و چند بعدی است که شامل تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود و همواره به دنبال نظم و ارتقای زندگی انسانی است.

مفهوم تمدن اسلامی

تمدن اسلامی یکی از بزرگ‌ترین و تاثیرگذارترین تمدن‌های تاریخ بشر است که در زمینه‌های علمی فرهنگی و هنری نقش بسزایی داشته است. از جمله کسانی که در این زمینه حرف دارند مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است.

مقام معظم رهبری تمدن اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را بر آن غایات خلق کرده

۱. همان، ص ۳۲.

۲. عروتی موفق، پیامبر اعظم ﷺ بیانگذار تمدن اسلامی، ص ۷۶-۷۵.

است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.^۱ تمدن اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور دین اسلام می‌گردد. به دلیل وجود همین پسوند پرمایه از یک سو، از قابلیت تجدید زمانی و تعریف معنایی برخوردار است؛ زیرا آغاز و انجامش مشخص است و از سوی دیگر، دارای گستردگی مفهومی و موضوعی بسیاری است که همه پیچیدگی‌ها و ظرایف و جهان شمولی دین اسلام را به عنوان دین الهی در خود دارد، بدین ترتیب، تمدن اسلامی دارای ویژگی‌های تمدن الهی در چارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر ﷺ است و مؤلفه‌های آن دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و ... است.^۲

مفهوم تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی به مجموعه تلاش‌ها و رویکردهای نوآورانه‌ای اطلاق می‌شود که در تلاش است اصول و ارزش‌های اسلامی را با شرایط و نیازهای روز جوامع مدرن تلفیق کند. اصطلاح (تمدن نوین اسلامی) ابتکار رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای است که در سالهای اخیر بارها مطرح شده و سپس از زبان وی در این اصطلاح، در محافل علمی، مقالات و رسانه‌ها به تدریج گسترش یافت. رهبر انقلاب عمدتاً از اوائل دهه هشتاد تا کنون با تعبیر مختلفی همچون: (تمدن بین الملل اسلامی)،^۳ (تمدن درخشان اسلامی)^۴ و (تمدن نوین اسلامی) به طرح این موضوع مهم پرداخته و امروزه اصطلاح (تمدن نوین اسلامی) نزد اصحاب اندیشه، به یکی از مفاهیم کلیدواژه تبدیل شده است. طرح ایده (تمدن نوین اسلامی) از ابتکار

۱. خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۳/۰۳/۳.

۲. خامنه‌ای، بیانات، برگرفته از سایت خامنه‌ای.

۳. همان، ۱۳۸۳/۰۶/۰۸.

۴. همان، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.

آیت‌الله خامنه‌ای شمرده می‌شود که به صورت هوشمندانه و هدفمند، آن را مورد عنایت قرار داده و بارها در اظهارات خویش در محافل داخلی^۱ و بین‌المللی^۲، بر لزوم اهتمام جوامع اسلامی به این مسئله مهم، تأکید نموده است. در کاربست این اصطلاح، تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر دو صفت (اسلامی) و (نویین) بودن، بیانگر ماهیت دینی این تمدن از یک سو و پویایی آن از سوی دیگر است. وجه (اسلامیت) این تمدن، نگرش دینی حاکم بر آن است؛ زیرا روح تمدن اسلامی، حاکمیت دین در همه عرصه‌های حیات انسان است. در تمدن اسلامی، همه داده‌های حیات اجتماعی، اعم از نگرش‌ها، رفتارها، گفتارها، ارتباطات، تعاملات داخلی و خارجی، محولات صنعتی و تکنولوژیکی و دیگر دستاوردهای مدنی مسلمانان، متأثر از عنصر دین و فرهنگ است. وجه (نویین) بودن این تمدن، ویژگی بالنده و مولّد تفکر اسلامی در پاسخگویی به نیازهای حال و آینده انسان و قدرت سازندگی آن است. مقصود از (نویین) بودن، گونه‌ای از تمدن‌سازی است که در بنیاد و شکل‌گیری آن، نیازهای جدید و نوظهور انسان و جنبه‌های تکاملی مدنیت اجتماعی، مورد توجه است. تمدن اسلامی، بدین سبب «نویین» و نوگراست که در پی ایجاد تغییر در همه ساحات زندگی فردی و اجتماعی و مدیریت همه پدیده‌های انسانی و طبیعی، متناسب با نیازها و اقتضائات شرایط و زمان است؛ از این رو، توجه به اقتضائات زندگی انسان در معنایابی تمدن نویین اسلامی، بسیار حائز اهمیت است.

بر این اساس، آیت‌الله خامنه‌ای، نوگرایی و زایش تمدنی را از ویژگیهای ذاتی تفکر اسلامی می‌داند: (تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان‌های تازه زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلاً اسلام این را از انسان خواسته)^۳؛ به همین سبب، وی نقطه تمدنی اسلام دانسته، می‌افزاید: «سلفی‌گری، اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود،

۱. همان، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

۲. همان، ۱۳۹۴/۱۰/۰۸.

۳. همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

با نوگرایی و سماحت و عقلانیت که از ارکان تفکر و تمدن اسلامی اند، سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریسم و بی دینی خواهد شد.^۱

مفهوم‌شناسی نجات، معنای مشترک در ماده (ن.ج.و) کنار زدن و خلاص نمودن است و از مصادیق آن، خلاص نمودن شخص از هلاکت و کنار زدن او از محیطی است که در آن قرار دارد. در قرآن کریم نیز در ۷۵ آیه، کلمه نجات و مشتقات آن وجود دارد و از آنجا که در برخی آیات، این کلمه تکرار شده؛ لذا موارد استعمال آن به ۸۴ مورد می‌رسد؛ زیرا واژه‌های (فوز و فلاح) نیز در بردارنده معنا و مفهوم نجات است.^۲ اندیشه نجات و «موعودباوری» در میان ادیان، اعم از ابراهیمی و غیر ابراهیمی از مسائل مهم و اساسی و مورد توجه است.^۳ انتظار ظهور منجی موعود یک عقیده عمومی و مشترک است و اختصاص به یک قوم و ملت و دین ندارد. ادیان و مذاهب گوناگون که در جهان حکومت می‌کنند، عموماً ظهور او را خبر داده اند، اگر چه در اسم او اختلاف دارند.^۴

با بررسی افکار و عقاید ملل جهان مانند مصر باستان، هند، یونان و ایران و نگاهی به افسانه‌های دیگر اقوام مختلف، این حقیقت به خوبی نمایان است که همه در انتظار مصلح موعود به سر برده اند.^۵

یهودیان معتقدند که:

در آخر الزمان «ماشیح» ظهور می‌کند و تا ابدالآباد در جهان حکومت می‌کند.^۶

مسیحیان معتقدند که:

۱. همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

۲. حسینی، بررسی مفهوم نجات در قرآن و عهد جدید، ص ۲.

۳. جباری، بررسی اندیشه نجات و موعود باوری در ادیان، ص ۱.

۴. سرائی، بشارت به منجی موعود، ص ۱۱.

۵. همان، ص ۱۵.

۶. همان، ص ۱۶.

مسیح در آخر الزمان دوباره ظهور خواهد کرد.^۱

این شوق و انتظار دیرینه در لحظات فشار و اختناق تبدیل به التهاب سوزان و نیاز شدید می‌شود که خرمین اشتیاق مردم را برای ظهور مهدی موعود عجل الله فرجه شعله ور می‌سازد. در همین راستا هر دین و مذهبی با الهام گرفتن از سخنان انبیا و کتب آسمانی خود، دم از حکومت واحد جهانی می‌زند و معتقد است که فردی مصلح خواهد آمد و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد.^۲ سرانجام، اداره جهان در دستان با کفایت صالح ترین فرد بشر قرار خواهد گرفت، او جهان را از تاریکی فقر، جهل و ظلم‌رهایی می‌بخشد و حکومت واحد جهانی را بر اساس مساوات و عدالت استوار می‌سازد.^۳

بررسی مسأله نجات از دیدگاه اسلام

موضوع نجات و رستگاری و حیات طیبه و جاودان در اسلام، یکی از مسائل مهم و عمده‌ای است که توجه تمام فرقه‌ها و نحله‌های مسلمانان در طول تاریخ بدان معطوف بوده است.^۴ اندیشه نجات از این قابلیت و ظرفیت برخوردار است که به مثابه چشم اندازی برای تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گیرد، یعنی می‌تواند پاسخگوی این پرسش باشد که آینده این تمدن چگونه باید باشد؛ و همچنین قرآن کریمف پایان و فرجام جهان را از آن صالحان می‌داند.^۵ کتاب آسمانی ما مسلمانان- قرآن کریم- که آخرین وحی مکتوب آخرین رسول خداست، کاملترین کتاب راهنمای بشریت در همه ابعاد زندگی است. این کتاب آسمانی کامل، وعده‌ها نویدها و

۱. همان، ص ۱۶.

۲. همان، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. طالب، نجات‌شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام، ص ۱۴.

۵. الویری، اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی، ص ۲۶-۲۷.

بشارت زیادی را در مورد آینده جهان، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و بر پایه حکومت الهی وعده داده است.

فهرست سوره ها و آیاتی که از منابع معتبر تفسیری و روایی مختلف درباره منجی موعود از قرآن کریم به شرح زیر آمده است.^۱

۱. سوره ی انبیاء آیه ۱۰۵: **وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ** و به راستی که ما پس از نوشتن در ذکر تمام کتب آسمانی گذشته یا تورات در زبور نیز نگاشتیم که البته بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد.

روایت: از امام محمد باقر عجل الله تعالی فرجه الشريف و امام جعفر عجل الله تعالی فرجه الشريف روایت شده است که فرمودند: بندگان صالح مذکور در این آیه که زمین را به ارث می برند قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف و اصحاب او هستند.^۲

۲. سوره قصص آیه ۵: **وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ**؛ و ما اراده کردیم بر آنان که در زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.

روایت: امیر المومنین عجل الله تعالی فرجه الشريف در تفسیر آیه فرمودند: ایشان، آل محمد صلوات الله وسلامه علیهم اجمعين هستند. خداوند مهدی آل محمد صلوات الله وسلامه علیهم اجمعين را بر می انگیزاند تا توسط او مومنان را عزیز و دشمنان را ذلیل و زبون گرداند.

۳. سوره مبارکه القصص آیه ۸۳: **تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ** (آری)، این سرای آخرت را (تنها) برای کسانی قرار می دهیم که اراده برتری جویی در زمین و فساد را ندارند؛ و عاقبت نیک برای پرهیزگاران است!

جان هیک، فیلسوف دین در مغرب زمین، می گوید: در کلیه ادیان بزرگ و متکامل جهانی به نوعی، اعتقاد به رستگاری و مبحث نجات شناسی وجود دارد. در این ادیان، عقیده به انتقال

۱. سرائی، بشارت به منجی موعود، ص ۴۱.

۲. انبیاء، ۱۰۵.

از یک حیات اساساً مصیبت بار به وضعیتی کاملاً امیدبخش و بهتر در کار است و هر یک از این ادیان به طرق مختلف از هستی کنونی انسان که دارای سررشتی گمراه کننده، تحریف کننده، و تحریف شده و ناصواب است، سخن می‌گویند.

حیات کنونی، حیاتی است (در هبوط یافته و) بیگانه از خدا، حیاتی است گرفتار آمده در وهم جهانی. هر یک از این ادیان بر اساس اصل نجات شناسی خود، طریق خاصی را برای به دست یافتن به وصال هستی مطلق پیشنهاد می‌کند، از طریق ایمان و در پاسخ به رحمت الهی، از طریق فنا شدن در ذات باری تعالی و یا از راه اخلاص روحی و اخلاق، به نجات و اشتراق راه می‌برند.^۱

ادوار تمدن اسلامی

در نگاهی کوتاه به تاریخ تمدن اسلامی در می‌یابیم که این دین الهی، موجودیت خود را با دعوت از مردم به ایمان و رستگاری، دعوتی که محل اعلام آن شهر مکه بود آغاز نمود. حال اگر امر دعوت را مرحله نخست از شکل‌گیری تمدن اسلامی برشماریم، ادوار و مراحل تمدن اسلامی را میتوان به هفت مرحله تقسیم کرد.^۲

الف. دوران شکل‌گیری و نضج تمدن اسلامی

زمانی که دولتی در یک محیط بدوی تشکیل می‌شود تا روزگاری که تمدنی پدید آید.^۳

ب. دوران حرکت و پیشرفت

در دوره حرکت و پیشرفت، آموزه‌های وحیانی مندرج در قرآن و سنت رسول ﷺ و تفسیر اهل بیت  و فهم عربی اسلامی صحابه از آموزه‌های وحیانی توسعه یافت.^۴ ورود مظاهری از

۱. طالب، نجات شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام، ص ۲.

۲. سجادی، بازخوانی ادوار تمدن اسلامی، ص ۱.

۳. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۴. همان، ص ۶.

موراثت فکری فرهنگی دیگر اقوام همچون یهودیان، ایرانیان، قبطیان، سریانیان، بیزانسی ها، مسیحیان و... تاویل و تفسیر آموزه های اسلامی از سویی و خروج اعراب مسلمان از جزیره العرب و آشنایی آنان با مراثت فکری فرهنگی دیگر اقوام و ملل و بهره گیری از آن ها دو ویژگی تمدن اسلامی در این دوره یک صد ساله است.^۱

ج. دوران اوج تمدن اسلامی^۲

در این دوره، شکوفایی تمدن اسلامی اوج گرفت. عصر شکوفایی فرهنگ عمیق اسلامی و ادبیات عرفانی است. (آغاز سده چهارم و اوج آن در سده هفتم هجری) عصر هنر و معماری اسلامی در دوره سه دولت صفوی، عثمانی و گورگانی است. (سده نهم تا دوازدهم هجری)^۳

د. دوران توقف و رکود^۴

این دوره عصر رکود است و با دو حمله ویرانگر صلیبیان از غرب و مغولان از شرق پدید آمد.^۵

ه. دوران تجدید^۶

عصر نخستین تجدید حیات جهان اسلام با مجاهدتهای صلاح الدین ایوبی در برابر صلیبیان و ممالیک مصر در برابر مغولان و نیز اهتمام دانشمندان ایرانی دربار ایلخانان مغول در ایران است که به ظهور و تشکیل سه دولت مقتدر عثمانی، صفوی و گورگانی و بسامانی اوضاع جهان اسلام انجامید^۷ ولی این حرکت تجدیدگرایانه هم متوقف گردید.^۸

۱. بیات، بایسته های دوره بندی تمدن اسلامی، ص ۱۱.

۲. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۳. بیات، بایسته های دوره بندی تمدن اسلامی، ص ۱۱.

۴. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۵. ولایتی، پویایی تمدن فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۸.

۶. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۷. ولایتی، پویایی تمدن فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۸.

۸. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

و. دوران انحطاط^۱

هجوم و سلطه استعمار و آغاز دومین دوره رکود در تمدن اسلامی است.^۲ دوره زوال تمدن اسلامی و سلطه فرهنگ و تمدن غربی. (از میانه سده چهاردهم تا اواخرین سده) زوال تمدن اسلامی، یعنی ساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حاکم بر جهان و سرزمین های اسلامی.

این دوره نتیجه سه عامل بود:

۱. ضعف و رکود: در دوره زوال تمدن اسلامی (از میانه سده چهاردهم تا اواخر سده نوزدهم میلادی) به معنای فرسودگی ساختارهای درونی تمدن اسلامی در ساختار سیاسی، اقتصادی، علمی و نهادی بود. این رکود با فروپاشی سیستم های مرکزی حکومتی (مانند خلافت عباسی)، تکثر قدرت های محلی و فرمانروایی های پراکنده، کاهش تولید علمی و فکری، و توقف حرکت پویای اجتهاد و نوآوری همراه شد. از دیدگاه تاریخ اقتصاد، شبکه های تجاری اسلامی که پیش تر جهان اسلام را به مراکز جهانی مرتبط می کرد، تحت تأثیر تحولات جغرافیایی (مانند کشف راه های دریایی جدید توسط اروپاییان) و سیاسی (مانند حمله مغول و سپس استعمار اروپا) دچار انحطاط شدند. این ضعف ساختاری، زمینه ساز نفوذ تمدن غربی و کاهش توان رقابتی جوامع اسلامی در عرصه های جهانی شد.

۲. نوع نگاه مسلمانان به دین و فهم آن از آموزه های دینی از جمله دین ورزی، غیر کاربردی و یا سطحی نگری بود. بسیاری از عالمان مسلمان و اجتهاد تقلیدی آنان به جای اجتهاد اصولی کار آمد....

۱. همان.

۲. ولایتی، پویایی تمدن فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ص ۸.

۳. تمدن نوظهور غرب که با بهره‌گیری از سلاح علم (تجربی)، ثروت و قدرت الگویی نوین با قابلیت‌ها و مظاهر خیره‌کننده‌ای از فرهنگ و تمدن را عرضه کرده بود.^۱

ز. انقلاب اسلامی ایران، عصر بازگشت^۲

انقلاب اسلامی، دوره‌ی تجدید و بازآفرینی تمدن اسلامی است (از میانه‌ی سده‌ی چهاردهم هجری شمسی تاکنون). دوره‌ی زوال تمدن اسلامی و سلطه‌ی فرهنگ و تمدن غربی که از میانه‌ی سده‌ی چهاردهم تا اواخر آن به درازا کشید، نزدیک بود به محو کامل تمدن اسلامی در تمدن غربی بینجامد. حتی بیم آن می‌رفت که فرهنگ اسلامی - شامل باورها، ارزش‌ها، آداب، سنن، مقررات، قوانین، معارف، علوم و دیگر سرمایه‌های معنوی اسلام و مسلمانان - در برابر هجومه‌ی سنگین فرهنگ و تمدن مادی غرب به کلی محو گردد. اما در مقابل واکنش منفعلانه‌ی بسیاری از عالمان مسلمان و نیز کنش غرب‌گرایانه‌ی سیاست‌مداران، کارگزاران سیاسی و بسیاری از تحصیل‌کردگان و روشنفکران غرب‌زده، جریان نواندیش دینی از درون روحانیت پدید آمد که با موضعی کنش‌گرانه به سلطه‌ی فرهنگی و تمدنی غرب واکنش نشان داد. سرانجام در اندیشه امام خمینی ره و در قالب نظریه ولایت فقیه تبلور یافت و پدیده انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی انجامید.^۳

ویژگی تفکر نجات

تفکر نجات نوعی از تفکرات و نگرش‌های معطوف به آینده و در حقیقت رویکردی آینده‌نگرانه است. در این تفکر، پایان جهان چون آغاز آن در اختیار صالحان است و همان‌طور که خلقت انسان با آفرینش حضرت آدم علیه السلام صورت گرفته و مأموریت نهایی وی در زمین، استقرار

۱. بیات، بایسته‌های دوره بندی تمدن اسلامی، ص ۱۱.

۲. جعفریان، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ص ۶.

۳. سجادی، ادوار تمدن اسلامی، ص ۱۶.

عدالت بود، در پایان جهان نیز حکومت صالحان و استقرار عدل، جزو ارکان اصلی این تفکر بر شمرده می‌شود.^۱ در ادامه به برخی از ویژگی‌های این تفکر اشاره می‌شود:

۱. **فراگیری و عام‌نگری (جهان‌شمولی):** افق دید در تفکر موعودگرا، کل جهان است و نه یک منطقه خاص جغرافیایی و یا یک بخش اعتقادی، زیرا رسالت امام‌زمان عجل الله تعالی فرجه التوفيق یک رسالت جهانی است.^۲ در روایات به این موضوع اشاره شده است: (خداوند [کل] زمین را به وسیله قائم زنده می‌کند...^۳)

۲. **عدالت‌گرایی:** یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تفکر نجات، عدالت‌پروری و احیای قسط و داد در میان مردم است. عدالت؛ یعنی برقراری مساوات و برابر؛ تقسیم عادلانه ثروت و نعمت؛ رفع ظلم و ستم و برپایی آیین دادگری و حق‌گرایی.^۴

۳. **معنویت‌گرایی و کمال‌بخشی:** در جامعه مهدوی، رویکرد غالب در عرصه عبادت، تکامل و تعالی معنوی با محوریت توحید است و این رویکرد دینی در رفتارهای فردی و اجتماعی مردم پدیدار است که نتیجه چنین نگرشی، تحقق جامعه‌ای معنویت‌گرا است. بر این اساس، زیربنایی‌ترین و بایسته‌ترین برنامه‌ها و ایده‌ها در تفکر نجات، توجه به ابعاد معنوی و روحی انسان‌ها و کمال‌بخشی او است.^۵

۴. **خشونت‌ستیزی (ظلم، جنگ، ناامنی و...):** آسایش و امنیت عمومی جامعه، اصلی‌ترین رکن حیات اجتماعی بشر است و بدون امنیت اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، زندگی بشر قرین سعادت و آرامش نخواهد بود.^۶ این نگره، تنها در پرتو «تفکر نجات» قابل ارائه دستیابی

۱. گودرزی، تصمیم‌گیری راهبردی موعودگرا، ص ۲۲۳-۲۲۲.

۲. گودرزی، مدل مدیریت راهبردی موعودگرا، ص ۱۲۷.

۳. قندوزی حنفی ینابیع الموده، ص ۵۱۴.

۴. کارگر، جستارهایی در مهدویت، ص ۵۵.

۵. همان، ص ۵۷-۵۶.

۶. نوین، نظریه توسعه انسانی و دکترین مهدویت، ص ۳۲۳.

است و از وجوه ویژه آن نیز ایجاد صلح دائمی و جهانی است. «کینه‌ها از دل مردم بیرون می‌رود و درندگان و چهارپایان در صلح زندگی می‌کند.»^۱

۵. شایسته سالاری (حکومت صالحان و مستضعفان): «شایسته سالاری» یکی از شاخصه‌های مهم «تفکر نجات» است. تا زمانی که در عرصه سیاست، ظالمان، زورمندان و... باشد هیچ مشکلی از جامعه جهانی برطرف نخواهد شد.^۲ در تفسیر آیه *ان الارض یرثها عبادی الصالحین* آمده است: «منظور از این که زمین را از بندگان صالح خدا به ارث می‌برند، مهدی قائم و یاران او هستند.» پر واضح است که در آن روزگار، صالح‌ترین، پاک‌ترین و عالم‌ترین انسان‌ها (مهدی موعود) خود زمام امور را به دست می‌گیرد و آنگاه حاکمیت و مدیریت جامعه به صالحان و افراد شایسته می‌رسد.^۳

۶. اندیشه نجات و موعودباوری و تفاهم ادیان: اصل اندیشه منجی و نجات موعود از مواردی است که در میان ادیان بزرگ و تاریخی جهان، مشترک است. رسیدن به همگرایی میان پیروان ادیان به جای واگرایی، افزایش کارایی و اثر بخشی این اندیشه نجات‌بخش و منجی موعود در میان جوامع، شده است.^۴

۷. اندیشه نجات و انقلاب اسلامی: حیات مجدد اسلام در ابعاد مختلف، همان تمدن اسلامی است که آرمان انقلاب اسلامی ایران هم ساخت این تمدن است. امام خامنه‌ای مهم‌ترین «آرمان» انقلاب اسلامی را همین موضوع قلمداد کرده و فرمودند: ((آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه ایجاد تمدن نوین اسلامی خلاصه کرد. تمدن نوین اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات

۱. صافی، منتخب الاثر، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۶۱۱.

۳. قمی، تفسیرقمی، ص ۷۷.

۴. عرفان، رسانه و آموزه مهدویت، ص ۷۸-۷۷.

مطلوبی که خدای متعال او را برای آن خلق کرده برسد.) نمونه های ذکر شده گویای ظرفیت و دلالت تمدنی آموزه های مهدوی است. با نظر به آن که تفکر مهدویت، دارای ظرفیتی است که می تواند در شکل دادن به تمدن و هویت بخشی به آن، نقش آفرین باشد؛ واکاوی این موضوع نیازمند نگاه آینده نگرانه به جهان است.^۱

رابطه اندیشه نجات و تمدن اسلامی

اگر بپذیریم که تمدنی نو در بین مسلمانان در حال شکل گیری است. به آسانی می توان درباره اندیشه نجات در تمدن جدید سخن گفت. پیدایش تمدن جدید، یعنی جوامع اسلامی رو به سوی مقصدی دارند که در آن، متاثر از آموزه های اسلامی، تمدن، جایگزین تمدن غرب را تجربه خواهند کرد. این تمدن جدید، اگر الگویی مشخص پیش رو داشته باشد، می توان با معیار قرار دادن آن، مسیر و گام های خود را به سوی آن جهت دهد و همواره موقعیت خود را با آن بسنجد.^۲ دین مبین اسلام مبتنی بر اندیشه نجات بخش، همواره آینده جهان را به گونه ای دلپذیر، سامان یافته و آرام بخش ترسیم کرده است. همه ادیان الهی در این ویژگی مشترک هستند و با اندک اختلافی در مصداق، در اصل آینده ی درخشان و آمدن مصلحی نجات بخش، هم عقیده اند.^۳ اندیشه نجات در تمدن اسلامی می تواند به عنوان یک عنصر کلیدی در اعتلا و توسعه این تمدن مورد توجه قرار بگیرد. این اندیشه می تواند موتور محرکی برای پیشرفت و نوآوری در جوامع اسلامی باشد و تأثیر عمیقی بر اصول اخلاقی، قوانین اجتماعی و حتی هنر و معماری اسلامی داشته باشد. در این نگاه خوش بینانه، آینده تاریخ، نه ابتر و ناتمام است و نه ناکام، بلکه انسان ها با فطرت کمال جویی آرمان خواهی که دارند، به سمت و سوی تکامل فکری، اخلاقی و معنوی پیش می روند. پیروزی از آن صلاح، پارسایی و فلاح و رستگاری است. بر این باورند که

۱. خامنه ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴.

۲. الویری، اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی، ص ۶۶.

۳. مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، ص ۵۹.

بشر هر چه جلوتر برود، بر بلوغ عقلی و پختگی اش افزوده می‌شود و با اندیشه به نجات، نیاز به مصلح و منجی را بیشتر و بهتر حس خواهد کرد و در چشم انداز آن تیرگی و ابهامی نمی‌بینند. از این‌روی، به شیوه‌های گوناگون از آینده‌ای که محرومان زمین حاکمیت را در دست خواهند گرفت سخن می‌گویند. غنای ذاتی گفتمان مهدویت و قابلیت‌های نظریه پردازانی آن در رویکرد به آینده، دست مایه بزرگی است که می‌تواند اندیشه نجات‌گرای مبتنی بر گفتمان مهدویت را به نظریه جهانی و آرمانی بشریت تشنه عدالت و معنویت تبدیل کند. این آینده، نمود حقیقی خود را بر استقرار حکومت جهانی موعود که مهم‌ترین رکن تمدن نوین اسلامی است، نشان می‌دهد. اندیشه نجات به افراد، امید و انگیزه می‌دهد تا برای بهبود شرایط فعلی و دستیابی به یک آینده بهتر تلاش کنند. به بیان دیگر و به صورت خلاصه میتوان رابطه این دو را اینگونه بیان کرد:

- اندیشه نجات، مردم را تشویق به دنبال کردن اصلاحات اجتماعی و سیاسی می‌کند
 - ایجاد انگیزه برای تلاش و نوآوری: افراد را به تلاش بیشتر برای پیشرفت در علوم، هنر و فرهنگ تشویق می‌کند.

- تعمیق ایمان و تعهد دینی: این اندیشه باعث تقویت ایمان افراد و تعهد آن‌ها به اصول و ارزش‌های دینی می‌شود در نتیجه، اندیشه نجات نه تنها به عنوان یک مفهوم دینی بلکه به عنوان یک نیروی محرک برای تغییر و پیشرفت در تمدن اسلامی عمل می‌کند.^۱

آثار تفکر نجات در اعتلای تمدن اسلامی

تحقق تمدن اسلامی کار آسانی نیست؛ بلکه نیازمند فراهم بودن مقدمات و پشتوانه‌هایی است تا در پرتو آن بتوان به این آرمان بلند و مقدس که زمینه‌سازی ظهور تمدن بزرگ اسلامی به دست حضرت ولی عصر^{علیه السلام} است جامعه عمل پوشاند.

۱. صمدی، گفتمان جهانی مهدویت و آینده بشر، ص ۱۵.

اندیشه مهدویت یکی از اصول اساسی در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی نوین است. این اندیشه با تأکید بر ظهور منجی و برقراری عدالت و صلح جهانی، نقش بسیار مهمی در الهام بخشی و هدایت جوامع اسلامی به سوی ایجاد تمدنی جدید ایفا می‌کند. تفکر نجات و جامع موعود، علاوه بر افق عالی و چشم انداز کلان در زمینه تمدن سازی، از کارکردهای فوق العاده ای نیز تا رسیدن به این هدف متعالی برخوردار است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها بدین قرار است:

۱- امید آفرینی

امید از اهمیت ویژه برخوردار است امید اصول اساسی ایمان در اسلام شناخته می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «الْأَمَلُ رَحْمَةٌ لِّأُمَّتِي» نشان دهنده نقش امید در زندگی انسان است. بدون امید هیچ کاری امکان‌پذیر نیست، این امید است که به انسان حرکت و انگیزه می‌دهد. در مکتب شیعه به علت عینیت قضیه‌ی مهدویت، ایمان و اعتقاد به حضور منجی چنان امیدی در دل انسان‌ها به وجود می‌آورد که منجر به تسلیم‌ناپذیری ملت و حرکت عظیم جامعه می‌شود که از جمله حرکت عظیم انقلاب اسلامی در ایران^۱ است. امید در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به چیزی اطلاق می‌شود که اشتیاق و انگیزه‌ی حرکت در انسان را ایجاد می‌کند. ملتی که امید به پیروزی نداشته باشد از حرکت و مبارزه در مقابل ظلم باز می‌ماند؛ بنابراین امید به فرج و برقراری عدالت و برچیده شدن ظلم، باعث تحرک و مبارزه‌ی ملت‌ها علیه دشمنان و حیات و نشاط ملت‌ها است.^۲ این اعتقاد که بنا نیست دنیا با ساختارها، قالب‌ها و نظامات استکباری فعلی باقی بماند، باعث ایجاد امید در ملت‌های محروم و مظلوم به رهایی از ظلم و ستم است. این امید به‌گونه‌ای است که در همه‌ی مراحل زندگی فردی و اجتماعی خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین خود انتظار، فرج و راهگشا است.^۳ پس، از اولین لوازم ساخت تمدن، امید به تحقق آن است؛ زیرا تا امید

۱. خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۱۱/۰۸.

۲. همان، ۱۳۷۲/۱۱/۰۸.

۳. همان، ۱۳۷۲/۱۱/۰۸؛ ۱۳۸۲/۰۲/۲۰؛ ۱۳۶۱/۰۱/۲۴.

نباشد حرکتی برای ساختن آن صورت نخواهد گرفت. یکی از عوامل ایجاد امید در زمینه حرکت در مسیر تمدن سازی، در نظر گرفتن افق و چشم اندازی برای این تمدن است که از منظر مقام معظم رهبری، همان تفکر نجات است. اعتقاد به مهدی موعود- ارواحنفا فدا- امید را در دلها زنده می‌کند. هیچ وقت انسانی که معتقد به این اصل است، ناامید نمی‌شود؛ چرا؟ چون می‌داند یک پایان روشن حتمی وجود دارد... سعی می‌کند که خودش را به آن برساند.^۱

امیدآفرینی علاوه بر اینکه عامل روحی و روانی جامعه اسلامی است؛ بلکه یک ضرورت اجتماعی به شمار می‌رود. امید پایه اصول اسلامی است و اعتقاد به مهدی موعود این امید را زنده می‌کند و باعث حرکت به سوی کمال است.

۲. ایجاد روحیه جهاد

جهاد یکی از پایه های اساسی برای شکل گیری و اعتلای تمدن اسلامی است. این مفهوم به معنای تلاش مستمر، خودسازی و مسئولیت پذیری است. جهاد، ابزاری برای رشد و تعالی انسانی است.

پس از عنصر امید، جهاد و تلاش لازمه دیگری در راستای دستیابی به تمدن اسلامی است؛ زیرا که سنت الهی در دنیا بر این امر تعلق گرفته است که «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»؛ برای انسان جز حاصل تلاش او نیست و با کسالت و تنبلی نمی‌توان به مقصد رسید.^۲ در شرایط فعلی که رویارویی با اندیشه های متنوع فکری و درگیری بین حق و باطل تحت عنوان برخورد تمدن ها نمایان تر است؛ ضرورت طرح الگوی ایجاد روحیه جهادی برگرفته از اندیشه نجات، بیشتر به چشم است. تعارض موجود بین برخی از آموزه های حاصل از تمدن غرب با آموزه های برگرفته از متون اسلامی، دغدغه هایی را در میان برخی متفکران جامعه پدید آورده است. وعده الهی به

۱. همان، ۱۳۷۶/۰۹/۲۵.

۲. نجم، ۳۹.

ظهور تمدن اسلامی و ادعای کامل بودن دین اسلام و داشتن ظرفیت عمیق برای هدایت و تربیت انسان، ضرورت مواجهه جهادی در فضای اندیشه و عمل را بیشتر می‌کند. خداوند بر آن است که سرنوشت قوم را به دست انسان‌ها و از طریق تغییر در خودشان رقم بزند. بر این اساس پیوند و رابطه‌ای بین محتوای درونی انسان‌ها و وضع و حال جامعه وجود دارد. جهاد در درون (جهاد اصغر) و جهاد در بیرون (جهاد اکبر) هر دو باید هماهنگ با هم پیش روند. این حرکت در مقابل سکون و سکوت قاعدین به پرورش مجاهدانی منجر می‌شود که ضمن بی تفاوت نبودن به دستاوردهای تمدن جدید با جدیت و بر اساس مسئولیت الهی خویش در راستای تحقق تمدن عظیم اسلامی که برگرفته از آمیزه‌های وحیانی است؛ اقدام کنند.^۱ دو بعد اصلی جهاد، جهاد درونی یا جهاد اکبر است که با مبارزه و خودسازی انسان آغاز می‌شود. این مبارزه لازمه مبارزه مهم‌تری در عرصه اجتماع است که انسان از سطح خود فراتر آمده و به سرنوشت اجتماع انسانی فکر می‌کند. اراده و اختیار انسان به همراه احساس مسئولیت و مقتضای اجتماع و محدودیت در منابع و امکانات، میدان نبردی دیگر برای انسان فراهم می‌کند. حضور در این میدان مجدداً زمینه تربیت رشد اجتماعی او را فراهم می‌کند که نکته حائز اهمیت توجه همزمان به این دو عرصه مهم زندگی فردی و اجتماعی انسان است و این توجه توأمان در مفهوم جهاد نهفته است. انسان جهادی، ظرفیت تمدن‌سازی را می‌یابد و می‌تواند هم در بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی و فراهم کردن علم، هنر و اخلاق و معنویات تمدن و هم در بخش سخت‌افزاری تمدن اسلامی و هم ساخت نظام‌های سیاسی، اقتصادی مؤثر باشد. چگونگی این فرایند تأثیرگذار و تأثیرپذیر در رابطه انسان و تمدن در نمودار زیر نشان داده شده است.^۲

ایجاد روحیه جهاد، یک نیروی محرک در مسیر تحقق تمدن اسلامی عمل می‌کند. روحیه جهاد با تکیه بر اراده الهی می‌تواند در همه عرصه‌ها نقش آفرینی کند.

۱. خمینی، اهمیت جایگاه و عوامل مؤثر در تعلیم و تربیت، ص ۳۷۰.

۲. رجیبی، بررسی الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی، ص ۴۶.

۳. افزایش حس آرمان گرایی

افزایش حس آرمان گرایی در جامعه اسلامی یک عنصر کلیدی برای اعتلای تمدن اسلامی است و به عنوان یک نیروی محرکه ای برای تغییرات مثبت در جامعه است و این حس باعث می شود انسان برای تحقق اهداف متعالی تلاش کند. یکی از شاخص های برتری یک فرهنگ و تمدن، آرمان گرایی و نگاه حداکثری به ایده آل های بشری است. از این نظر، دیگر ویژگی فرهنگ و تمدن جامعه عصر ظهور، آرمان گرایی آن است. آرمان گرایی جامعه مهدوی عصر ظهور به معنای چاره اندیشی برای دست یابی به آرزوهای بلند تاریخی است که بشر همواره تشنه آن بوده و تاکنون بدان دستی نیافته است. رویکرد اصلی حرکت تمدنی جامع عصر ظهور، تحقق آرزوها و ایده آل های دوردستی است که جامع بشری در طول تاریخ به انتظار آن نشسته است. تمدن مهدوی با نگاه حداکثری به اهداف و آرمان های بلند بشری، دستاوردهای شگرفی برای جامعه آینده بشری دارد.

در تمدن مبتنی بر اندیشه نجات، تمامی بهره مندی های مادی، معنوی، علمی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به صورت حداکثری و همگانی اندیشیده شده است. از این نظر، تمدن مهدوی، آرمانی ترین ایده ای است که تمامی ایده آل های متعالی انسان و آرزوهای سترگ بشری در آن تبلور یافته و راهکارهای تحقق آن در جامعه به خوبی تدبیر شده است. این ویژگی مهم و الهام بخش، انگیزه های آرمان خواهی را در وجود افراد جامعه زنده می کند و با تحول آفرینی در افکار و روحیات خسته بشر، امید و نشاط را در وجود آنان می انگیزد تا همه فرجه ها و تلاش ها به تحقق جامعه آرمانی معطوف گردد. در چنین فضایی، همگان، خود را در فرایند پیشرفت جامعه، مؤثر و در بهتر شدن آینده جهان، سهیم می دانند.^۱ تقویت حس آرمانگرایی نه تنها یک ضرورت

۱. صمدی، ویژگی های فرهنگی و تمدنی عصر ظهور و نقش الگویی آن در فرهنگ و تمدن زمینه ساز، ص ۲۲۸.

دینی است؛ بلکه یک نیاز در جامعه اسلامی است که موجب می‌شود جوانان امید و انگیزه بیشتر به سوی تحقق ایده آل‌ها حرکت کنند.

۴. وحدت آفرینی

تمدن اسلامی، به‌عنوان تمدنی جهانی و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی، زمانی می‌تواند به اوج شکوفایی خود برسد که مسلمانان با کنار گذاشتن اختلافات و تمرکز بر اشتراکات، به‌سوی همبستگی حرکت کنند. وحدت میان مسلمانان نه تنها یک اصل اخلاقی و دینی است، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای مقابله با چالش‌های داخلی و خارجی محسوب می‌شود. ساخت بنای عظیم تمدن اسلامی امری نیست که به‌وسیله یک یا چند فرد و یا حتی حکومت انجام شود. اخوت اسلامی یکی از شعارهای عمیق، اصیل، ریشه دار و مؤثر قرآنی است که بر اساس آن، مسلمانان از هر نژاد و رنگ و با هر زبان در اطراف و اکناف جهان، باید احساس عمیق برادری کنند.^۱ با توجه به نقش اعجاز‌آمیز اتحاد در بقای ملت‌ها و اعتلای تمدن‌ها، قرآن کریم با اهتمام ویژه نسبت به مسئله اتحاد و مبارزه با هر گونه تفرقه، مبذول داشته است.^۲ پیامبر اکرم ﷺ بر غم گسترده‌ی زمینه‌های اختلاف در صدر اسلام، با تدبیر و درایت خاص، توانست اتحاد نیرومندی را در مدینه ایجاد نماید.^۳

در قرآن کریم آیات مختلفی را می‌توان یافت که خداوند انسان‌ها را به اتحاد و وحدت دعوت کرده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

خداوند متعال می‌فرماید: و همگی به ریسمان خدا [یعنی: قرآن، اسلام و هرگونه وسیله وحدت] چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید و او میان دلهای شما الفت ایجاد کرد

۱. حجرات، ۱۰.

۲. آل عمران، ۱۰۳.

۳. جان دیون پرت، ص ۷۷.

و به برکت نعمت او، برادر شدید و شما بر لب حفره ای از آتش بودید، خداوند متعال شما را از آن نجات داد. این چنین، خداوند آیات خود را برای شما آشکار می‌سازد تا شاید پذیرای هدایت شوید.^۱

یکی از مهم‌ترین شعارهای اسلامی که قرآن بیان می‌کند، اخوت اسلامی، یعنی همان روح برادری و اتحاد است که باید در جامعه اسلامی حاکم باشد. از همین رو، خداوند می‌فرماید: مؤمنان برادر یکدیگرند. پس بین دو برادر خود صلح و آشتی دهید.^۲

محقق شدن این آرمان بدون شک نیازمند عنایت ویژه خداوند عالم است و نزول حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه خواهد بود که با نفوذ این تفکر در ابعاد گوناگون بشری، اعتلای تمدن نوین اسلامی محقق خواهد شد.^۳

وحدت‌آفرینی یکی از اساسی‌ترین عوامل در مسیر اعتلای تمدن اسلامی است. این امر موجب تقویت قدرت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مسلمانان می‌شود و آنان را قادر می‌سازد تا با چالش‌های عصر حاضر مقابله کنند. وحدت نه تنها یک وظیفه دینی بلکه یک ضرورت حیاتی برای پیشرفت جوامع اسلامی است؛ بنابراین، تقویت روحیه همبستگی و تمرکز بر اشتراکات میان مسلمانان می‌تواند کلید دستیابی به تمدنی باشد که بر پایه عدالت، معنویت و پیشرفت بنا شده است.

۱. آل عمران، ۱۰۳.

۲. حجرات، ۱۰.

۳. آل عمران، ۱۰۳.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که اندیشه نجات، نقش بسزایی در اعتلا و پیشرفت تمدن اسلامی ایفا می‌کند. این اندیشه با ایجاد امید، تقویت روحیه جهادی، افزایش حس آرمان‌گرایی و ایجاد وحدت در جوامع اسلامی، زمینه را برای رشد و شکوفایی تمدن اسلامی فراهم می‌آورد. همچنین، اندیشه نجات با ترسیم آینده‌ای عادلانه و روشن، انگیزه لازم برای نوآوری و تلاش مضاعف را در میان مسلمانان ایجاد می‌کند. این مطالعه تأکید می‌کند که درک عمیق‌تر از نقش اندیشه نجات می‌تواند به عنوان محرکی قوی برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی عمل کند و مسیر پیشرفت و توسعه جوامع اسلامی را هموار سازد؛ بنابراین، توجه به این مفهوم و گسترش آن در سطوح مختلف جامعه می‌تواند راهگشای حل بسیاری از چالش‌های کنونی جهان اسلام باشد و زمینه‌ساز تحولات مثبت در آینده شود.

منابع

قرآن کریم

۱. الویری، محسن، اندیشه و تمدن نوین اسلامی، فصلنامه علمی ترویجی انتظار موعود، ش ۴۲ مهر ۱۳۹۲
۳. بیات، علی، بایسته های دوره بندی تمدن اسلامی، نقد و نظر ۷۴ سال ۱۳۹۳
۴. جباری، حسینعلی، بررسی اندیشه نجات و موعودباوری در ادیان، مطالعات مهدوی، سال دهم، ش ۴۶، زمستان ۱۳۸۹
۵. جعفریان، رسول، نگاهی به ادوار تمدن اسلام، ش ۱۰۸-۱۰۷، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵
۶. حسینی، سامیه، بررسی مفهوم نجات در قرآن و عهد جدید، فصلنامه جستارهای علمی طلبگی، ش ۳۶-۳۵، زمستان ۱۳۹۴ و بهار ۱۳۹۵
۷. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات مقام معظم رهبری، برگرفته از سایت www.khamenei.ir
۸. دهخدا، علی اکبر، تالیف: محمد معین، جلد ۱۵، دی ماه سال ۱۳۳۴.
۹. دورانت، ویلیام جمیز، تاریخ تمدن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، سال ۱۳۷۶.
۱۰. داوونپورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه سید غلام رضا سعیدی، سال ۱۸۶۹، لندن، اولین ترجمه در ایران، ۱۳۳۴ شمسی، تهران.
۱۱. رجبی، طاهره، بررسی الگوی تربیتی مبتنی برجهاد درزمینه سازی تمدن نوین اسلامی، دو فصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۱۲. سپهری، محمد، تمدن اسلامی در عصرامویان، تهران: نورالثقلین، سال ۱۳۸۵.
۱۳. سرائی، علی، بشارت به منجی موعود، ناشر: موعود عصر (عجل الله)، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۷.

۱۴. سجادی، زهرا، **بازخوانی ادوار تمدن اسلامی**، همایش بین‌المللی بازخوانی تمدن اسلامی و جهان معنوی با تأکید بر شهر مقدس مشهد، ۱۳۹۶.
۱۵. صافی، لطف‌الله، **منتخب الاثر**، چاپ اول، قم: سیده المعصومه، سال ۱۴۱۹.
۱۶. صمدی، قنبرعلی، **گفتمان مهدویت و آینده بشر**، انتشارات کتاب جمکران، ۱۳۹۴.
۱۷. طالب، حسن، **نجات‌شناسی از دیدگاه مسیحیت و اسلام**، علمی - ترویجی، ش ۱۰ و ۱۱، ۱۳۸۳.
۱۸. عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹.
۱۹. عرفان، امیرمحسن، **رسانه و آموزه مهدویت**، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۹۴.
۲۰. قندوزی حنفی، سلیمان، **ینایع الموده**: ج ۲، چاپ سوم: دارالکتاب، ۱۴۰۴.
۲۱. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، چاپ سوم، ناشر: دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴.
۲۲. رحیم، کارگر، **جستارهایی در مهدویت**، چاپ اول، قم: معراج، ۱۳۸۶.
۲۳. گودرزی، غلامرضا، **تصمیم‌گیری راهبردی موعود گرا**، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۲۴. گودرزی، غلامرضا، **افق جهانی**، مدل مدیریت راهبردی موعود گرا، چاپ اول، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۹.
۲۵. لاروس، جُر خلیل، **لغتنامه**، چاپ هجدهم، جلد اول، تهران، ۱۳۸۷.
۲۶. معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، ج ۳، ۱۳۹۰.
۲۷. مطهری، مرتضی، **قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ**، تهران، ۱۳۷۴.
۲۸. نوین، حسین، **نظریه توسعه انسانی و دکترین مهدویت**، مجموعه مقالات چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، جلد ۲، ۱۳۸۷.

۲۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، نشر صدوق، تهران،

۱۳۹۷ ق.

۳۰. ولایتی، علی اکبر، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: مرکز چاپ.